

جستاری پراگماتیستی در کتاب *انیس الناس*
به عنوان نماینده آموزش ایران در دوران تیموری
مهدی علی بلندی^۱

چکیده

آموزش به عنوان بخش مهمی از زندگی انسان چه در زمان حال و چه در طول تاریخ همواره مورد توجه پژوهشگران بوده است. در حال حاضر نظریات و مکاتب فلسفی آموزشی متفاوتی زیربنای نظام‌های آموزشی کشورهای مختلف در جهان را فراهم می‌کند. در تاریخ ایران نیز نویسندگان مختلفی در کتاب‌های گوناگون به بحث آموزش کودکان پرداخته‌اند و نظرات عملی خود را در این باب به نگارش در آورده‌اند. در کتاب‌های قدیمی، آموزش بر سه اصل بنا بود که این اصول عبارت بود از محفوظات، تکرار و تنبیه. با این حال مهم‌ترین پرسش‌هایی که در این زمینه مطرح می‌شود عبارت از این است که ریشه‌های این اصول کدام است؟ منابع اصلی آنها چیست؟ و اینکه این اصول از منظر نظریه‌های جدید به خصوص در رابطه با مکتب پراگماتیسم (عمل‌گرایی) چگونه ارزشیابی می‌شود. هدف این پژوهش بررسی کتاب *انیس الناس* به عنوان یکی از کتاب‌های نماینده این طرز تفکر در دوران تیموری با استفاده از روش توصیفی و کتابخانه‌ای است.

کلید واژه

آموزش در ایران؛ کودک؛ *انیس الناس*؛ پراگماتیسم؛ جان دیویی

مقدمه

انیس‌الناس تألیف سال ۸۳۰ هـ.ق نوشته شجاع شیرازی است. این کتاب به تقلید از قابوس‌نامه نگاشته شده و متعلق به عصر تیموری (قرن نهم) است. بنا به اشاره خود نویسنده، جدش پسر عموی شیخ ابواسحاق اینجو بوده است. مؤلف، این کتاب را در سال ۸۳۰ هجری نوشته، به نام مغیث‌الدین و الدین، ابوالفتح ابراهیم سلطان تیموری مزین ساخته و چند بار مدح و منقبت او را در کتاب بر قلم رانده است. ذکری از این متن و مؤلف آن در مآخذ قدیم (مانند کشف‌الظنون) نیامده و علی‌الظاهر کتابی بوده است که با مؤلفش فراموش شده و فقط نسخه‌ای از آنکه برای خزانة ابوالفتح ابراهیم سلطان نوشته شده بوده، از تصاریف گوناگون ایام مصون مانده و به دست ما رسیده است.

انیس‌الناس متنی است در اخلاق و مباحثی که در تقسیمات علمی قدیم به تدبیر منزل و سیاست مدن تعبیر می‌شد. بسیاری از مضامین و مطالب آن مأخوذ از کتب معروفی مانند قابوس‌نامه، کلیله و دمنه، گلستان، بوستان، مثنوی معنوی، خمسه نظامی و اشعار دیگر از این دست است (شجاع، ۱۳۷۴: ۸). شجاع، صراحتاً در این کتاب می‌نویسد: «گفتند آن‌که در باب آداب معیشت دنیا... کتابی در اخلاق انشاء کنی به رسم کتابخانه آن حضرت... و چیزی چند که در کتب اهل حکمت دیده بود و آنچه به تجربه معلوم کرده، اکثر به عبارات خویش ارتباط و انضمام داده، رعایت حسن عبارت نموده و اختصار لازم داشته، این کتاب مؤلف و محرر گردانید مشتمل بر بیست فصل و نام آن انیس‌الناس نهاد» (همان، ۹). در این پژوهش علاوه بر معرفی مختصر انیس‌الناس و نویسنده این اثر، مقایسه محتوایی‌ای در بحث آموزشی با یکی از مکاتب روز دنیا تحت عنوان پراگماتیسم انجام خواهد شد. سپس به منظور نشان دادن سیر تحول آموزش، ویژگی‌های این دو طرز تفکر را در سطوح مختلف یادگیری، بررسی خواهیم کرد. شایان توجه است که به دلیل گستردگی دامنه موضوع این مقاله، اختصار را رعایت کرده و به بعضی ویژگی‌های افتراق و اشتراک دو اثر می‌پردازیم.

انیس‌الناس را می‌توان نماینده آموزش رسمی و غیر رسمی در دوران تیموری دانست. اسم کامل کتاب، انیس‌الناس فی الاخلاق و خاصه باب یازدهم آنکه در باب آداب تربیت فرزند است، ادعای نویسنده را تقویت می‌کند.

با توجه به آنچه گفته شد، این سؤال مطرح می‌شود که چه اصول مشترک و غیرمشارکی بین سیستم آموزشی تاریخی ایران خاصه در کتاب انیس‌الناس و آموزش‌های نوین بالأخص مکتب پراگماتیسم وجود دارد. این پژوهش بر آن است تا با رویکرد مقایسه‌ای برای هر قسمت از

پرسش، پاسخی در حد توان این مقال بیابد. کتاب *انیس‌الناس* در مقالات علمی، کمتر مورد اقبال قرار گرفته اما از دید محققان زبان و ادبیات فارسی مغفول نبوده است؛ از جمله «بررسی قابوس‌نامه و *انیس‌الناس*» از بخشایی و صیادکوه (۱۳۹۵)، «تأثیرپذیری شجاع در فصل دوم کتاب *انیس‌الناس* از منابع عربی و فارسی» از وحید سبزیان‌پور و مرضیه دبیریان (۱۳۹۳)، «بازتاب و نقل اندرزه‌های پیشینیان در کتاب *انیس‌الناس*» از موسی علیزاده و سجاد رحمتیان (۱۳۹۴). درباره بررسی آموزشی *انیس‌الناس* از دیدگاه پراگماتیستی تا به حال تحقیق مستقلی صورت نگرفته یا دست‌کم از دید نگارنده مخفی مانده است. بخش بزرگی از میراث متون تاریخی و ادبی ایران به بحث آموزشی و پرورشی پرداخته‌اند که غبار گمنامی و فراموشی، تعداد بسیاری از این متون را در بر گرفته است.

با توجه به ظهور مکاتب و نظریه‌های مختلف در سده‌های اخیر و به کارگیری این مکاتب و تأثیرگذاری فوق‌العاده آن‌ها بر امر آموزش و پرورش و تأثیر فراوان آن روی سیستم آموزشی ایران، بررسی آموزش در دوران گذشته و شیوه‌های آن ضروری به نظر می‌رسد. گاه بررسی کتاب‌های فراموش شده و کمتر مورد توجه قرار گرفته در موضوعات آموزشی، حاوی نکاتی جالب توجه است و می‌تواند راهگشای ابعادی از آموزش و پرورش در ادوار گذشته باشد. ابعادی که گاه در تاریخ روشن تاریخ مکتوم باقی مانده‌اند. بررسی این کتب می‌تواند به درک هرچه بهتر ما از موضوعات روز کمک شایانی کند و امید است که بتوان به نکاتی تازه در مبحث آموزشی دوران گذشته دست یافت و با توجه به همین یافته‌ها و مستندات به بازیابی متون از منظر آموزشی پرداخت. در این میان، کتاب *انیس‌الناس* می‌تواند شاهد مثال خوبی از آموزش و پرورش دوران تیموری و راهگشای شناخت این دوره از تاریخ پرفراز و نشیب آموزشی ایران‌زمین باشد.

۱. معرفی *انیس‌الناس*

کتاب *انیس‌الناس* در بیست فصل یعنی در بیست باب تنظیم شده است که در این بیست فصل مباحث اخلاقی و آموزشی به عنوان هسته اصلی مباحث مطرح است. فصول این کتاب به ترتیب عبارتند از:

۱. در نصایح حکما، فرزندان را؛ ۲. در باب آداب دوست گزیدن و شرط آن؛ ۳. در باب آداب زیستن با دشمن و شرط آن؛ ۴. در باب آداب جمع کردن اموال و شرط آن؛ ۵. در باب آداب تجارت و آداب آن؛ ۶. در باب آداب عشق ورزیدن و شرط آن؛ ۷. در باب آداب شراب خوردن

و شرایط آن؛ ۸. در باب آداب مطایبه و محاوره و نرد و شطرنج؛ ۹. در باب آداب تجمل و خانه خریدن و شرط آن؛ ۱۰. در باب آداب زن خواستن و شرط آن؛ ۱۱. در باب آداب تربیت فرزند؛ ۱۲. در باب آداب برده خریدن و شرط آن؛ ۱۳. در باب آداب مهمانی و شرط آن؛ ۱۴. در باب آداب امانت نگاه داشتن و شروط آن؛ ۱۵. در باب آداب عفو و عقوبت و حاجت خواستن و شروط آن؛ ۱۶. در باب آداب شناختن اسپان و شرط آن؛ ۱۷. در جنگ و محاربت و صداع و تقلب و تحمل؛ ۱۸. در باب آداب ندیمی و ملازمت و شروط آن؛ ۱۹. در پیری و جوانی و شروط آن. اکثر فصل‌های کتاب *انیس‌الناس* با کمی تغییر از *قابوس‌نامه* تقلید شده است. البته نوآوری‌هایی نیز در بعضی نام‌گذاری‌ها وجود دارد اما چندان در بحث ما تأثیرگذار نیست و بیشتر جنبه ادبی دارد. در جدول زیر به مقایسه دو کتاب از نظر باب‌های موجود در آن می‌پردازیم.

جدول ۱. مقایسه دو کتاب *انیس‌الناس* و *قابوس‌نامه*

انیس‌الناس	قابوس‌نامه
فصل اول: در باب نصایح حکما فرزندان را	باب هشتم: اندر یاد کردن پندهای انوشیروان عادل
فصل دوم: در باب آداب دوست گزیدن و شرط آن	باب بیست و هشتم: اندر آیین دوست گزیدن دوستان
فصل سوم: در باب آداب زیستن با دشمن و شرط آن	باب بیست و نهم: اندر اندیشه کردن از دشمن
فصل چهارم: در باب آداب جمع کردن اموال و شرط آن	باب بیست و یکم: اندر جمع کردن مال
فصل پنجم: در باب آداب تجارت	باب بیست و دوم: اندر تجارت کردن
فصل ششم: در باب آداب عشق ورزیدن و شرط آن	باب چهارم: اندر عشق ورزیدن و رسم آن
فصل نهم: در باب آداب تجمل و خانه خریدن	باب بیست و چهارم: اندر خانه و عقار خریدن
فصل هفتم: در باب آداب شراب خوردن	باب یازدهم: اندر شراب خوردن و شرط آن
فصل هشتم: در باب آداب مطالبه و محاوره و نرد و شطرنج	باب سیزدهم: اندر مزاح کردن و نرد شطرنج باختن
فصل دهم: در باب آداب زن خواستن	باب بیست و ششم: اندر زن خواستن و شرایط آن

این قسمتی از تشابهات در این دو کتاب است و این نشان تأثیرپذیری ادبی در دوران تیموری است. از این تشابه‌ها می‌توان نتایج مختلفی برداشت اما با توجه به موضوع مقاله، می‌توان نتیجه گرفت که ظاهراً در این دوره متون نثری پر قدرت و جریان‌سازی چون *قابوس‌نامه* قابلیت پیدایی نداشته است. شاید بتوان گفت که موضوع تقلید فرمی از *قابوس‌نامه* و دیگر متون قدیم‌تر در محتوا نیز تعمیم یافته است. در نتیجه می‌توان استنباط کرد که در بحث آموزشی نیز پیشرفت خاصی

صورت نگرفته و این روش آموزشی که در کتاب شجاع ذکر شده، همان روشی است که در قرون متمادی به صورت دست‌نخورده ادامه یافته است.

این کتاب متنی است مشتمل بر بیست فصل (باب) و حاوی مباحث اخلاقی و تربیتی یعنی مجموعه‌ایست از دو مبحثی که در تمدن اسلامی به «سیاست مدن» و «تدبیر منزل» شناخته شده است. سیاست مدن در حکمت اسلامی بحثی گسترده است؛ گاه از دیدگاه فلسفه سیاسی و گاه از دیدگاه الهی مثلاً حکمت متعالیه به آن پرداخته می‌شود. اساساً بحث درباره سیاست مدن، همیشه بحث بسیار مهمی برای فلاسفه بوده است. بزرگ‌ترین فلاسفه به بحث سیاست مدن پرداخته‌اند و بلکه بحث‌های اساسی خود را به این مبحث اختصاص داده‌اند. فلاسفه و حکمای الهی نیز پا به پای انبیاء به این بحث توجه داشته‌اند. البته انبیاء توأمان به صورت نظری و عملی و فلاسفه تنها به صورت نظری به این بحث توجه کرده‌اند. در میان فلاسفه یونان افلاطون و ارسطو بیش از دیگران به این مبحث پرداخته‌اند. فیلسوفان پیش از سقراط نیز به مسئله سیاست توجه داشته‌اند. با اینکه آثار بسیار کمی از آن‌ها مانده ولی یکی از وظایف فلاسفه پیش از سقراط در یونان این بوده است که به شهرهای مختلف می‌رفتند، از آن‌ها دعوت می‌شد تا وضع نوامیس کنند. مثلاً هراکلیتوس را برای وضع نوامیس و سیاست‌گذاری برای مدینه‌ای دعوت کردند اما او قبول نکرد و گفت «شما آن‌هایی هستید که فلان فیلسوف و حکیم در میان شما بود و او را بیرون رانیدید. حال من بیایم برای شما وضع نوامیس بکنم؟!». پس یکی از کارهای حکما همیشه، وضع نوامیس بوده است.

تدبیر منزل، از اقسام حکمت عملی در فلسفه مشاء است که موضوع آن، نحوه اداره منزل و مشارکت مرد با زن، فرزند، بندگان و خدمتکاران برای تنظیم امور منزل را در بر می‌گیرد (ابن سینا، ۱۳۱۹: ۶۸-۶۹).

تدبیر توسعاً به معنای تنظیم و اداره کردن و مدیریت به کار می‌رود که در اصطلاح «تدبیر منزل» نیز، همین معنی مورد نظر است. سابقه بحث تدبیر منزل به یونان باز می‌گردد. این تعبیر و تعابیر مترادف آن نظیر «سیاست منزل» و «حکمت منزلی» معادلی برای ایکونومیا (از ایکوس به معنای خانه و نوموس به معنای قانون) در زبان یونانی است. با این همه، «تدبیر منزل» برخاسته از تفکر یونانی است و با این‌گونه مباحث دینی تفاوت اساسی دارد. در حقیقت کتاب *انیس الناس* را می‌توان دایرةالمعارف جامعه‌پذیر کردن فردی دانست که با توجه به معیارهای دوران تیموری و شاخصه‌های جامعه‌ای کلاسیک و سنتی نگاشته شده است. کلیت کتاب *انیس الناس* تقلیدی است از کتاب قابوس‌نامه که البته رد پای دیگر متون قدیمی نیز در این اثر قابل رؤیت است؛ از آن جمله می‌توان به کتاب‌های *کلیله و دمنه*، *گلستان*، *بوستان* و حتی *خمسه نظامی گنجوی* اشاره کرد.

مؤلف، کتاب را در سال ۸۳۰ هجری نوشته و آن را به نام مغیث‌الدنیا و الدین، ابوالفتح ابراهیم سلطان تیموری (۸۳۸ - ۸۱۷ هـ.ق) مزین ساخته و چند بار مدح و منقبت او را در کتاب آورده است. با توجه به متن کتاب و تعمق در آن، *انیس‌الناس* متنی است در اخلاق و مباحثی که در تقسیمات علمی قدیم به تدبیر منزل و سیاست مدن تعبیر می‌شد. بسیاری از مضامین و مطالب آن مأخوذ است که در بالا به آن اشاره شد. کتاب به صورت نثر نگاشته شده، در آن از اشعار شاعران معروفی چون سعدی، فردوسی و غیره و گاه از اشعار خود نویسنده یعنی شجاع نیز استفاده شده است. او نویسنده و شاعر دوران تیموری بوده است. در آوردن اشعار و منقولات نثری، نام صاحبان آثار را نمی‌آورد مگر در دو سه جا که چون نام شاعر در متن شعر آمده بوده، به نام او اشاره شده است (شجاع، ۱۳۷۴: ۱۲۲، ۱۴۵، ۳۱۷).

مأخذ بعضی از فصل‌های آن را هم نمی‌توان معین کرد؛ مثلاً در قسمتی که به شناخت اسپ اختصاص دارد (فصل شانزدهم) بعضی مطالب از قابوس‌نامه اخذ شده اما معلوم نیست که مطالب دیگر آن فصل از کدام کتاب گرفته شده است. این کتاب متأثر از انشای عنصرالمعالی برای خزانه ابراهیم سلطان (۸۱۷ - ۸۳۸ هـ.ق) فرزند شاهرخ نوشته شده و به نام وی به کتابخانه شاهرخ عرضه گردیده است. تنها نسخه خطی بازمانده از *انیس‌الناس* همان است که با مهر کتابخانه شاهرخ در کتابخانه مجلس شورای ملی نگهداری می‌شود. این نسخه در سال ۱۳۵۰ شمسی به کوشش استاد ایرج افشار تصحیح و سال ۱۳۵۶ شمسی بنگاه ترجمه و نشر کتاب آن را چاپ و منتشر کرده است. قسمت‌های سودمندتر کتاب حاوی آیات و مضامینی است که مؤلف از عصر خود در کتاب آورده، مانند نکته‌های مربوط به سید شمس‌الدین محمد سید شریف (یعنی پسر سید شریف جرجانی)، شمس‌الدین محمد حافظ، مولانا نور سمرقندی، محب‌الدین ابوالخیر جزری، محمود خجندی و حرفی. همچنین است اطلاعاتی مختصر که درباره قریه گوکان و مدارس سنغریه و فرازیه نوشته است، با آوردن بعضی از اصطلاحات آن زمان مانند کلمه «رئیس» (ص ۵ و ۲۵۷) که عنوان شغلی نظیر کلانتری در دهات بود (همان، ۱۰).

در ادامه به معرفی پراگماتیسم و دانشمند مطرح این مکتب آموزشی، جان دیویی^۱ می‌پردازیم.

۱.۱. معرفی پراگماتیسم^۱

در روزگار معاصر سبک‌های آموزشی متفاوتی پا به عرصه ظهور گذاشتند؛ از رئالیسم تا ایدئالیسم و اگزیستانسیالیسم و غیره، اما هیچ سیستم فکری یا فلسفی در قرن بیستم به اندازه فلسفه عمل‌گرایی یا همان پراگماتیسم مورد توجه واقع نشد. اصطلاح پراگماتیسم از واژه یونانی پراگما^۲ به معنای عمل مشتق شده است. این اصطلاح را نخستین بار چارلز پیرس دانشمند و فیلسوف آمریکایی در ۱۸۷۸م. وارد مباحث فلسفی کرد. پیرس در ژانویه همان سال در مقاله‌ای با عنوان «چگونه افکارمان را روشن کنیم» که در نشریه «ماهنامه دانش عامه» منتشر شد- پس از خاطر نشان کردن این نکته که عقاید ما واقعاً قواعدی برای عمل ما هستند، اظهار داشت که برای بسط دادن موضوع ذهنی فقط لازم است معین کنیم این مفهوم برای ایجاد چگونه رفتاری به کار می‌آید و آن رفتار برای ما یگانه معنای آن است...» (ایزراییل، ۱۳۶۶: ۴۱).

۱.۲. پراگماتیسم

این تنها سبک آموزشی دست ساخته آمریکایی‌هاست که به سرکردگی چارلز ساندرس پیرس^۳ دانشمند و فیلسوف آمریکایی، وارد عرصه فلسفه گردید و در ادامه به مابقی رشته‌ها تسری یافت. ویلیام جیمز^۴ نفر دوم در بحث پراگماتیسم، معلمی بود که توانست فلسفه را از کلاس درس خارج کند و در زندگی روزمره به کار گیرد. او معتقد بود کودکان ما تقریباً با روحیه علمی به دنیا می‌آیند و آموختن فعال را ذاتی کودکان می‌دانست. فیلسوف برجسته دیگر که تحت تأثیر جیمز هم بود، جان دیویی است. می‌توان گفت ویلیام جیمز پراگماتیسم را عامه‌پسند و مردمی کرد و جان دیویی آن را به صورت یک سیستم فکری نظام‌دار درآورد؛ سیستم نظام‌مندی که دیویی ایجاد کرد توانست در امر آموزشی به صورت جدی‌تر مورد استفاده قرار بگیرد. او دیدگاه‌های تربیتی و شناختی‌ای ارائه داد که به قدرتمندتر شدن پراگماتیسم منجر شد. سعی بر آن است که کتاب *انیس‌الناس* از دیدگاه آموزشی با شاخص‌های مکتب پراگماتیسم خاصه نظرات جیمز و دیویی، مورد بررسی قرار گیرد. با توجه به تأثیرگذاری فوق‌العاده جان دیویی در مباحث آموزشی

۱. Pragmatism

۲. Pragma

۳. charles sanders pierce

۴. William James

پراگماتیسم در ادامه به معرفی جان دیویی پرداخته و تا حدی نظرات او مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱.۳. جان دیویی

جان دیویی، پراگماتیسم را به صورت یک سیستم فکری نظام‌مند در آورد. شاید دیویی پرنفوذترین فیلسوف تربیتی معاصر و جهان است که تقریباً اکثر نظام‌های آموزش و پرورش جهان را تحت تأثیر قرار داده و هنوز هم این تأثیر ادامه دارد. دیویی از جمله اندیشمندانی است که هنوز هم به صورت کامل شناخته نشده است. رشد، گسترش و تقویت سیستم فکری پراگماتیسم (عمل‌گرایی) مخصوصاً در میدان آموزش و پرورش، به دست جان دیویی انجام گرفت. این فیلسوف، در منطق، معرفت‌شناسی، علم اخلاق، زیبایی‌شناسی، اقتصاد و تربیت شهرت یافت. او فلسفه کلاسیک را به شدت مورد انتقاد قرار داد؛ مخصوصاً فلسفه‌هایی را که کوشش می‌کردند ارزش تجربه انسان را به حداقل برسانند. دیویی، تحت تأثیر ایدئالیسم^۵ (پندارگرایی) جدید هگل، فیلسوف آلمانی قرار گرفت؛ زیرا به نظر او در نظریه هگل، بیش از هر فیلسوف دیگر، غنا و تنوع بینش وجود داشت. به عقیده دیویی، کار اصلی فلسفه حل مسائل فیلسوفان نیست، بلکه حل مسائل انسان‌هاست. خود او نیز به همه مسائل مردم در وسیع‌ترین زمینه‌های امور اجتماعی، اخلاقی و نظری می‌پرداخت. محتوای آثار گوناگون جان دیویی، جهان‌شمولی اندیشه‌های او را به صراحت نشان می‌دهد. «... در تفسیر مسائل عمومی روز، قلمش هیچ‌گاه از حرکت باز نایستاد. از همان دهه ۱۹۰۴-۱۸۹۴ م. که ریاست بخش‌های ادغام شده فلسفه، روانشناسی و آموزش و پرورش در دانشگاه شیکاگو را بر عهده داشت و مدرسه آزمایشی دانشگاه را بنیان گذاشت و هدایت کرد تا سال‌های بعد که ریاست هیئت تحقیق درباره محاکمات مسکوی استالین را بر عهده داشت و به حرکت اعتراضی علیه اخراج برتراند راسل از سیتی کالج نیویورک - به علت نظراتش درباره جنسیت- پیوست. دیویی فعالانه در انواع گوناگونی از امور - که به نظر او بر چشم‌انداز هوش و آزادی تأثیر می‌نهادند- شرکت جست» (ایزراییل، ۱۳۶۶: ۲۵۳).

بدون شک، بیشترین تأثیر جان دیویی در میدان آموزش و پرورش بود. او برخلاف اکثر فیلسوفان این عرصه، آموزش و پرورش را قلمرو جداگانه‌ای نمی‌دانست که یک نظریه‌پرداز به عنوان الزامی اخلاقی یا به دلایل شهروندی، گاه بخشی از وقت خویش را صرف آن می‌کند. این

5. Idealismus

6. hegel

استاد آموزش، هرگونه فلسفه‌ای را فلسفه آموزش و پرورش می‌خواند. «آموزش و پرورش برای او معنای زندگی تصورات در تشکیل عادت ذهنی انسان‌ها بود. به اعتقاد او، شاخص اساسی هر فلسفه‌ای، روشی است که آن فلسفه برای ایجاد عادت‌ها و بنابراین کیفیت معقول و اخلاقی زندگی معمول ما دنبال می‌کند» (همان، ۲۵۶).

۲. کودک و نیازها

دیدگاه دوگانه‌ای بین دیدگاه سنتی و دیدگاه مدرن تربیتی وجود دارد؛ بدین‌گونه که دیدگاه سنتی کودک را ذاتاً متضاد با آموزش می‌داند، در صورتی که دیدگاه مدرن قائل به آزادی در مطالب آموزشی برای کودک است. در دیدگاه مدرن، کودک ذاتاً علاقه‌مند به دانستن فرض می‌شود؛ در حالی که این قضیه در آموزش سنتی برعکس است و کودک همواره در حال فرار از آموختن انگاشته می‌شود. شجاع در کتاب خود، *انیس الناس* می‌گوید: «چه علم و ادب به رنجاندن و ناخوشی آموزد نه به طبع خویش و به افعال ذمیمه بیشتر میل کند به سبب نقصانی که در طبیعت اوست» (شجاع، ۱۳۷۴: ۲۲۹). از این مطلب این‌گونه برمی‌آید که کودک در نظر شجاع باید با یک قوای قهریه و با اجبار به آموخته شدن واداشته شود. قوای قهریه در نظر او، معلم و پدر است که باید این قدرت را در تأدیب کودک به کار برند. این روش، همان روشی است که تا دوره معاصر نیز به عنوان یک اصل مورد تأکید آموزش سنتی بود. جمال‌زاده درباره تنبیه در مکتب‌خانه می‌نویسد:

«همان روز اولی که قدم به مکتب نهادم، مانند مرغی که به قفس افتاده باشد، هنوز طپش قلبم تسکین نیافته بود که آخوند با قهر و غضب و کر و فر بسیاری - چنان‌که گویی با من طفل معصوم پدرکشتگی صدساله دارد- اسمم را پرسید. با صدای لرزان گفتم سید محمدعلی. گفت سید محمدعلی بدان که اینجا را مکتب می‌گویند. اینجا جای شیطنت و بازیگوشی نیست. نفست درآید، ناخنت را زیر فلک می‌گیرم و با انگشت یک بغل ترکه اناری را که در مقابل تشکچه‌اش به زمین ریخته بود، نشان داد ... در یک چشم به هم زدن چوب و فلک حاضر شد و دو پای بچه سید مظلوم به هوا رفت و ذریه رسول خدا و میوه دل بتول عذرا، اولین بار زهر بیداد اولاد آدم را چشید و از همان ساعت یک‌باره از علم و سواد و خط و کتابت بیزار و هراسناک گردید» (جمال‌زاده، ۱۳۸۰: ۶۳).

این روش در تعلیم و تربیت به تنفر کودکان از رفتن به مدرسه می‌انجامید. جمال‌زاده در ادامه

می‌نویسد: «عصر همان روز وقتی به خانه برگشتم و تفصیل چوب خوردنم را به مادرم حکایت نموده، دو پا را در یک کفش کردم که دیگر به مکتب نخواهم رفت» (همان).

- شیوه‌های تنبیه: چوب زدن، به فلک بستن، سر پا نگاه داشتن، روی یخ و برف نشاندن یا پابره‌نگاه نگاه داشتن، وزنه سنگین در دست نگه داشتن، حبس در جای تاریک، نهادن ریگ زیر لاله‌های گوش و مداد لای انگشتان، یا دست‌ها را بالا آوردن و روی یک پا ایستادن از جمله تنبیهات رایج نظام آموزش سنتی بود. گاهی برخی از معلمان، ابتکارات غریبی در تنبیه به کار می‌بردند و گویی بدین‌وسیله تفریح می‌کردند. برای نمونه معلم، به بچه امر می‌کرد که خودش دو سه سیلی محکم به صورتش بزند. اگر در زدن سیلی‌ها، کوتاهی می‌کرد یا آهسته می‌زد، دو برابر آن یا سه برابر آن را خود معلم با شدت بیشتر می‌زد و گاهی به شاگردان دستور می‌داد سیلی به هم بزنند. به این ترتیب کودک را نسبت به عدم اطاعت از امر معلم مجازات می‌کرد. در بعضی مکتب‌ها، نظر به سلیقه معلم، تنبیه اخلاقی معمول بود؛ یعنی تمام شاگردان هم صدا شده و درباره مقصر داد می‌زدند: لعنت، واحسرتا، واغیرتا، نفو و بعضی از کلمات و اصوات شبیه به این مضمون. تشویق هم اخلاقی بود. یا خود معلم بارک‌الله، آفرین می‌گفت یا تمام شاگردان هم صدا شده در حق او آفرین می‌گفتند. با توجه به اینکه یکی از علت‌های فرار کودکان از مدرسه، علاوه بر شیوه نادرست آموزش، زیاده‌روی شماری از معلمان در امر تنبیه بوده، به یکی دو نمونه از نحوه تنبیه اشاره می‌کنیم:

«وقتی تقصیر کودکی زیاد بود، پای او را چوب می‌زدند. در این صورت، وی را بر زمین می‌خواباندند و یکی از کودکان روی سینه او می‌نشست و کودک دیگر پاهایش را می‌گرفت و از زمین بلند می‌کرد و یک یا دو نفر دیگر، که معمولاً نایب معلم‌ها (خلیفه) بودند، با ترکه به کف پای کودک می‌زدند، تا حدی که استاد بگوید بس است. گاهی نیز پاهای کودک مقصر را در فلک می‌گذاشتند و پاهای کودک را که روی زمین خوابانیده‌اند، توی چهارچوب آن می‌گذاشتند و دو نفر شاگرد دو سر طنابی را که به فلک وصل بود، از طرفین می‌کشیدند و پاها را نیم متر بالاتر از زمین نگه می‌داشتند و از دو طرف، با چوب و شلاق به کف پای شاگرد مقصر می‌زدند. بعضی اوقات آن‌قدر به کف پای شاگرد مقصر ترکه می‌زدند که کف پاها ورم می‌کرد و تا چند روز کودک نمی‌توانست موقع راه رفتن، پای خود را به راحتی به زمین بگذارد. بعضی اوقات نیز که از یک طرف اتاق، صدای کودکان بلند می‌شد و آن‌ها شیطنت می‌کردند، استاد نمی‌توانست شاگرد مقصر و خطاکار را پیدا کند، تمام کودکانی را که آن سمت

اتاق بودند، دسته‌جمعی تنبیه می‌کرد؛ یا خودش آنان را چوب می‌زد و یا دستور می‌داد پاهای آن‌ها را به فلک بگذارند. به طور کلی، اصل تشویق در مکاتب کم بود ولی تنبیه و آن هم تنبیه بدنی هر روز اجرا می‌شد» (نصیری، ۱۳۸۹: ۲).

درباره مبحث تنبیه مباحث گسترده‌ای وجود دارد که در این قسمت به نظرات بزرگان دیگری چون سعدی و مولانا نیز اشاره می‌کنیم. سعدی می‌گوید:

سخن در صلاحست و تدبیر و خوی

نه در اسب و میدان و چوگان و گوی

تو با دشمن نفس همخانه‌ای

چه در بند پیکار بیگانه‌ای

تو خود را چو کودک ادب کن به چوب

بگزرز گران مغز مردم مکوب

(سعدی، ۱۳۵۹: ۱۴۵)

سعدی در باب هفتم گلستان، عقاید و نظریات خود را در مورد تربیت کودکان اظهار کرده است. گویی سعدی شیرازی و معاصر نامدارش مولانا جلال‌الدین رومی، به اقتضای زمان و محیط نشو و نمای خود به این نتیجه رسیده بودند که از راه تهدید و فشار و آزار و شکنجه، بهتر می‌توان به کودکان و خردسالان، خواندن و نوشتن آموخت؛ غافل از اینکه نیاموختن و فرار کودکان از مدرسه به علت نفرت آنان از فراگرفتن علم و دانش نبوده، بلکه آنچه نوآموز را از فرهنگ و آموزش بیزار و فراری می‌کرد، روش بسیار غلط تعلیم و تربیت معلمان بود که از دیرباز تا حدود نیم قرن پیش، ادامه داشت و هرگز آموزگاران در این اندیشه نبودند که کتابی درخور فهم کودک تألیف و تنظیم کنند و الفبا و ترکیب لغات و کلمات را به تدریج و گام به گام با اسلوبی صحیح، توأم با تشویق و تحسین به اطفال بیاموزند. مولوی در مورد تنبیه اطفال، قدمی چند از معاصر نامدارش، سعدی، فراتر نهاده و آشکارا گفته است: اگر کودکی در زیر ضربات پدر بمیرد، باید پدر او خون‌بها بدهد، ولی اگر طفلی، در زیر تازیانه آموزگاری جان سپرد، هیچ گناهی متوجه معلم او نیست» (نصیری، ۱۳۸۹: ۱۶).

در هر صورت، تنبیه اصل بسیار مهمی در امر آموزش و پرورش سنتی ایران محسوب می‌شده است که این تنبیه گاه بسیار خشن و منزجرکننده بوده است؛ که در بالا به بعضی از انواع آن اشاراتی کوتاه شد. در نظرات سنتی «فاصله میان محصول کار سالمندان با تجربیات و استعدادهای بچه‌ها

به قدری وسیع است که شاگردان در جریان آنچه یاد می‌گیرند، نقش مؤثری ندارند. یادگیری در اینجا یعنی کسب آنچه تاکنون در کتب و ذهن بزرگ‌ترها جمع آوری شده است» (شریعتمداری، ۱۳۸۰: ۳۷). این مقوله در مکتب پراگماتیست‌ها کاملاً متفاوت است. «پراگماتیست‌ها به فرد و دموکراسی اعتقاد زیادی دارند و معتقدند که فرد می‌تواند پیشرفت کند و استعداد رسیدن به کمال را دارد و این امر در یک فضا یا محیط اجتماعی تحقق می‌یابد. به بیان دیگر هر فرد در اجتماع می‌تواند و حق دارد مقام متناسب خود را اشغال کند» (شعاری‌نژاد، ۱۳۸۱: ۴۷۴).

این آزادی است که مبنای کاری پراگماتیسم قرار می‌گیرد و بر اساس آن فرد چه بزرگ‌سال و چه کودک حق دارد نیازهای متناسب با سن خود را از سیستم آموزشی طلب کند. در حقیقت در آموزش به شیوه نوین پراگماتیستی، کودک ظرف نیست و علم، مظهر و تا معلم کودک را از علم لبریز کند. البته همیشه در کتاب *انیس‌الناس* مبنای کار آموزش بر یک سیاق نیست بلکه در جایی نیز به مبانی خاصی اشاره می‌کند که ما امروز به آن «احترام به تفاوت‌های فردی: می‌گوییم:» در طبیعت طفل نظر کند و از احوال او به طریق فراست معلوم کنند که اهلیت چه نوع صنعت و قابلیت چه صنف کمال دارد و فطرت او موافق کدام طریق از طرق فضایل است» (شجاع، ۱۳۷۴: ۲۳۳). شجاع در این چند خط، اصلی را گوشزد می‌کند که در آموزش پراگماتیستی مورد پذیرش است و آن را اصلی برای آموزش کودکان در نظر می‌گیرد؛ یعنی توجه به تفاوت‌های فردی. دانش‌آموزان دارای علایق و استعداد‌های متفاوتی هستند. البته این تفاوت و رعایت تفاوت‌ها در گذشته، برنامه‌ریزی شده و همراه با تست و غیره نیست، شبیه آنچه در آموزش و پرورش سیستماتیک امروزه پراگماتیسمی موجود است اما فهم این قضیه و اعتقاد به آن در کتاب *انیس‌الناس* موضوعی است که می‌تواند قابل اعتنا باشد. در ادامه، نویسنده داستانی را روایت می‌کند که در آن تفاوت‌های فردی کاملاً درشت‌نمایی می‌شود. در این داستان دو تن از خانه‌زادان المستعصم، خلیفه عباسی با نام‌های ادوار و یاقوت در دوران کودکی به آموزش نزد استاد گذاشته می‌شوند. ادوار برای خطاطی انتخاب شده بود و یاقوت برای موسیقی. پیشرفت هر دو بسیار ناچیز بود و در نهایت خلیفه امر به برعکس شدن آموزش آن دو داده و هر دو خانه‌زاد در شرایط جدید بسیار موفق می‌شوند (همان، ۲۳۴).

این مثالی است که شجاع برای اثبات تفاوت فردی و لزوم توجه به آن در بحث آموزش می‌آورد. البته باید در نظر داشت که تقریباً اکثر یافته‌های آموزشی بر اثر تجربه بوده است و این مورد نیز بر اساس همین اصل است. به نظر جان دیویی «تنها آزادی، آزادی عقل است. آزادی عقل

وقتی تحقق پیدا می‌کند که فرد بتواند قضایای مختلف را مورد مشاهده و بررسی دقیق قرار دهد، هدف‌های اساسی و با ارزش برای خود انتخاب کند و با استفاده از وسایل مقتضی برای نیل به هدف‌های خود اقدام نماید» (شریعتمداری، ۱۳۸۰: ۴۹).

کودک با آزادی به انتخاب اهداف می‌پردازد. اصل آزادی در تفکرات پراگماتیستی کاملاً برجسته است و در این باره تمامی پراگماتیست‌های برجسته متفق‌القول هستند. در همین باره، شجاع این نویسنده گمنام به زیبایی این اصل را در جایی دیگر از کتابش به گونه‌ای دیگر بیان می‌کند. آنجا که می‌نویسد: «در تعلیم افعال و تهذیب اخلاق ابتدا به طبیعت او کنند؛ یعنی هر قوت که حدوث آن در او بیشتر ظاهر بود، تکمیل آن قوت مقدم دارند» (شجاع، ۱۳۷۴: ۲۳۰).

استفاده از اصول روان‌شناسی می‌تواند کمک شایان توجهی به شناخت افراد در عرصه آموزشی کند. یکی از مشخصه‌های آموزش و پرورش نوین، به کار بردن روان‌شناسی در آموزش است و با توجه به رویکردهای متفاوت روان‌شناسی است که سبک‌های مختلف آموزشی ایجاد می‌شود. روان‌شناسی می‌تواند آنچه در درون فرد می‌گذرد اعم از افکار احساسات، رغبت‌ها، ارزش‌ها و عواطف را مطالعه کند؛ زیرا تلاش‌ها و انگیزش‌ها تحت تأثیر آن‌هاست (شعاری‌نژاد، ۱۳۸۱: ۴۵۹).

۲.۱. کودک، آموزش و محیط

مرحله آموزش و اینکه چه چیزی را چگونه باید به کودک آموخت، مسئله جالب توجه دیگری است. شجاع می‌گوید: «سیم آنکه چون رضاع او تمام شود به تأدیب و ریاضت او مشغول گردند و فرایض و قرآنش بیاموزند و مقدمات علمی تعلیمش کنند؛ آن مقدار که از دایره عوام بیرون آید. چه بعد از آن، او خود بی سعی کسی، علم خود زیادت می‌سازد» (شجاع، ۱۳۷۴: ۲۲۸).

در این قسمت، شجاع به آزادی آموختن فرد از محیط و بهتر بگوییم به آزاد گذاشتن کودک در تجربه با طبیعت تأکید می‌کند که این خود می‌تواند رویکردی عمل‌گرایانه تلقی شود. دیویی در کتاب *مدرسه و شاگرد* می‌نویسد: «...پراگماتیسم یعنی احتراز از لفاظی و تعیین ارزش هر اصل فلسفی از روی تأثیر و ارزش عملی که در زندگی افراد ممکن است دارا باشد» (دیویی، ۱۳۳۳: ۱۹). تأکید بر آموزش از طریق تجربه و ارتباط پویای آموزش و زندگی، موضوعی است که در افکار شجاع در قرن نهم هجری قمری و دیویی در قرن بیستم میلادی با تغییراتی که گریزناپذیر، تکرار می‌شود. شریعتمداری در توضیح نظرات پراگماتیست‌ها خاصه شخص دیویی، می‌نویسد: «از طریق تجربه، ما جهان را می‌شناسیم. روابط پدیده‌های جهان به صورت مسائلی برای ما مطرح

می‌شوند و راه‌حل آن‌ها نیز در تجربه به وجود می‌آیند...واقعیت نهایی از نظر پراگماتیست‌ها چیزی است که در تجربه ظاهر می‌شود» (شریعتمداری، ۱۳۸۰: ۲۰۰). البته شعاری‌نژاد نیز در تحلیل نظرات پراگماتیستی این موضوع می‌گوید: معلمان قدرت مطلق نیستند و نمی‌توانند یادگیری را برای محصلان انجام دهند. محصلان مدام از یکدیگر می‌آموزند که مهم‌تر از همه محیطشان است (شعاری‌نژاد، ۱۳۸۱: ۴۵۳).

شجاع نیز در کتاب *انیس‌الناس* به موضوع ارتباط مؤثر محیط و آموزش اشاره می‌کند. در نتیجه هم در نوشته‌های شجاع در قرن نهم هجری قمری و هم متفکران قرن بیستمی پراگماتیسم، ارتباط مؤثر بین محیط اجتماعی و طبیعی و آموزش وجود دارد: «تنها راه آماده شدن برای زندگی اجتماعی، درگیر شدن در زندگی اجتماعی است» (کانال. و.ف، ۱۳۶۸: ۱۷۱).

۲.۲. برنامه درسی

برنامه درسی از دید عمل‌گرایان باید شامل انواع شناخت و مهارت‌هایی باشد که کودک در زندگی کنونی و آینده‌اش بدان‌ها نیازمند است. پس هر کودک باید ابتدا خواندن را بیاموزد تا بتواند افکارش را با آن تعبیر کند. از طرف دیگر به ریاضیات احتیاج دارد و همچنین بهداشت و تربیت بدنی. این چهار درس لازم است. مابقی فعالیت‌ها بر مبنای رغبت دانش‌آموزان است که دیوبی آن را چهار نوع می‌داند: ۱. میل به ارتباط اجتماعی؛ ۲. میل به جستجو و بررسی اشیاء؛ ۳. میل به فعالیت؛ ۴. میل به تعبیر هنری (شعاری‌نژاد، ۱۳۸۱: ۴۵۳).

نظرات شجاع در کتاب *انیس‌الناس* این‌گونه نشان می‌دهد که او برای برنامه درسی به این موارد اشاره می‌کند:

۱- فرایض و سنن؛ ۲- قرآن؛ ۳- مقدمات علمی؛ ۴- سلاح ورزی؛ ۵- سواری؛ ۶- خط؛ ۷- شنا (شجاع، ۱۳۷۴: ۲۲۸).

البته با توجه به احادیث و روایات و قرآن و تأثیر آن در زندگی، خصوصاً زندگی و جامعه دوران تیموری و همچنین شرایط اجتماعی و کار، انتخاب چنین مواردی برای جامعه آن روزگار ایران تا حدی هوشمندانه نیز بوده است. در جامعه‌ای اسلامی که همیشه در معرض جنگ، ناامنی، مهاجرت و بلایای طبیعی بوده است، آموختن قرآن برای هدایت، آموختن خط برای گسترش علم، آموختن سلاح‌داری برای نبرد و آموختن شنا برای حفظ سلامت جسم و آموختن سوارکاری برای سفر و حضر در اولویت قرار داشته است.

دیدگاه پراگماتیستی مبتنی بر نظریات دیویی، تلاش بیشتر در جهت تعادل بین مواد درسی و علاقه دانش‌آموزان را مدنظر دارد. این رویکرد سعی در فعال نگاه داشتن دانش‌آموزان در کلاس درسی دارد. در آموزش، باید تلاش بر منطبق کردن زندگی با آموزش باشد. جان دیویی می‌گوید که یادگیری در مدرسه زندگی است؛ نه آماده شدن برای زندگی. یادگیری بدون عمل غیرممکن است. «فرایند آموزش و پرورش هدفی فراسوی خود ندارد. خود، هدف خویش است... فرایند آموزش و پرورش فرایند تجدید سازمان، بازسازی و تغییر مداوم است» (کانل. و.ف، ۱۳۶۸: ۱۸۱). هدف آموزش از دیدگاه شجاع این‌گونه نیست که آماده ساختن کودک برای آینده باشد؛ آینده‌ای مبهم که در آن ثباتی متصور نیست. ایرانی دائم در معرض انواع تهاجمات بوده است، پس برنامه درسی بر مبنای همین شرایط چیده می‌شده است. آینده نامعلوم بوده است؛ خاصه آینده‌ای که در معرض انواع ناآرامی‌ها بوده است و احتمالاً در این نوع برنامه‌ریزی، بعضی از آموزش‌ها ناکارآمد خواهند بود یا حداقل کارایی مؤثر خود را از دست می‌دهد. جان دیویی در کتاب *دموکراسی و آموزش* و پرورش می‌گوید: «...نظام ما اعلام می‌دارد که تفکیک امور انسانی از امور طبیعی و تضاد علوم اجتماعی و علوم طبیعی کاملاً مصنوعی و نادرست و نارواست. در واقعیت آنان پاره‌ای از طبیعت است و ذهن از جهان، جدایی ندارد» (دیویی، ۱۳۳۹: ۱۹۶).

پس در تفکرات پراگماتیکی و شجاع به ارتباط عمیق و دوسویه طبیعت (اجتماعی و طبیعی) و آموزش و نیز به مؤثر بودن آموزش در زندگی شخصی تأکید می‌شود. برنامه درسی در نظر عمل‌گرایان باید حاوی مطالب زیر باشد: «۱. باید پایه اجتماعی داشته باشد؛ ۲. فرصتی برای تمرین آرمان‌های دموکراتیک باشد؛ ۳. برنامه‌ریزی دموکراتیک برای هر سطح آموزش و پرورش باشد؛ ۴. از هدف‌های اجتماعی مشترک تعریف گروهی کند؛ ۵. وسیله خلاقیت برای رشد و گسترش مهارت‌های تازه باشد؛ ۶. فعالیت‌محور و محصل‌محور باشد» (شعاری‌نژاد، ۱۳۸۱: ۴۴۸).

شجاع تا حدی در برنامه پیشنهادی خود هم به دیدگاه سنتی آموزش بها می‌دهد و به کودک از دید ظرف نگاه می‌کند که می‌بایست مطالبی را که گذشتگان برای آینده تدوین کرده‌اند، در آن گنجاند و هم به ارتباط با محیط و آموزش از طریق ارتباط با محیط طبیعی و تأثیر و تأثر بر روی کودک پرداخته و به تفاوت‌های فردی در اندیشه‌هایش اشاره می‌کند. البته برنامه مدنظر شجاع در مورد دختران و پسران متفاوت و البته شاید قدری ستمگرانه است و وقتی درباره دختران می‌نویسد: «... عند التمییز معلمه را بر سر او آر تا شرایط فرایض و سنن بیاموزد و قرآن بخواند... زودتر به شوهر ده چه گفته‌اند: دختر نابوده به و چون باشد به شوهر یا به گور» (شجاع، ۱۳۷۴: ۲۴۰).

شاید بتوان گفت از بعضی جهات، آموزش از دید *انیس‌الناس* بسیار غیر متمرکزتر و پراگماتیستی‌تر و کاربردی‌تر از آموزش و پرورش روزگار ماست. فضای آموزشی در نظرات شجاع به آزادی بسیار نزدیک‌تر است. البته باید در نظر داشت که نظرات او، نظرات مردی است در قرن نهم؛ نه انسانی در قرن ۲۱ و در معرض حجم بالایی از اطلاعات که اطراف ما را فرا گرفته است.

۲.۳. معلم در فرایند آموزشی

از فحوای کلام شجاع این‌گونه برمی‌آید که نقش معلم در کلاس‌های زمانِ نگارنده، پر کردن ذهن کودک از بعضی علوم نقلی است. معلم در این کار از تنبیه برای تربیت کودکان فراوان استفاده می‌کرده است. *انیس‌الناس* از اولیای دانش‌آموز نیز می‌خواهد به این حق معلم احترام بگذارند. «آنکه در تعلیم و تحصیل علم و هنر اگر معلمان او را برنجانند، منع نکنند و شفقت پدری رها کند» (شجاع، ۱۳۷۴: ۲۲۹). در کتب قدیم‌تر نیز همین نظرات دیده می‌شود؛ به عنوان مثال در کتاب *قابوس‌نامه* چنین می‌خوانیم: «...و به وقت تعلیم اگر معلمان او را بزنند او را شفقت مبر و بگذار که کودک علم و ادب و هنر آموزد و نه به طبع خویش» (عنصرالمعالی، ۱۳۱۲: ۹۶).

باید توجه داشت که در دوران شجاع آموزش و پرورش یکه‌پارچه و در عین حال متمرکز وجود ندارد که سیاست‌های مدونی را از مرکز کشور تدوین کرده باشد. روال این‌گونه بوده است که پدر جهت تربیت کودک خود، استادی را انتخاب و چند صباحی کودک خود را جهت آموزش نزد او می‌گذاشته است. «و حق اعظم پدر نسبت با فرزند آنکه نوعی کند که او را علم و هنر حاصل آید و حصول علم بر تحصیل مالش مقدم دارد» (همان).

آموزش در دوران شجاع، مانند اکثر دوره‌های تاریخی فراگیر نبوده است و تنها موضوعی بوده که پدر می‌توانسته فرزند را به آن تشویق یا امر کند. این نوع آموزش تا انتهای دوران قاجار نیز ادامه داشت. آموزش پراگماتیستی رویکردی متفاوت و اکتشافی از طرف معلم را پی می‌گیرد. «به‌طور کلی مطلب تازه [با نظارت معلم] باید در موقعیتی که فرد در آن دچار اشکال می‌شود و با مسئله‌ای روبرو می‌گردد، به عنوان وسیله‌ای برای رفع اشکال و حل مسئله ارائه گردد» (شریعتمداری، ۱۳۸۰: ۲۰۵). در ادامه جان دیویی این‌گونه می‌نویسد: «... در مرحله دوم، دسترسی به اطلاعات یا معلومات برای حل مسئله لازم است (توسط معلم)... شاگرد باید از طریق مشاهده، خواندن، به خاطر سپردن مطالب و فهم آنچه دیگران تهیه کرده‌اند، اطلاعات لازم را جمع‌آوری نماید» (همان).

دیویی در کتاب *دموکراسی و تعلیم و تربیت* می‌گوید: در مرحله سوم از اطلاعات گردآوری شده

استفاده کرده و با همیاری معلم به قضایای کلی بپردازد و در مرحله نهایی به بررسی فرضیه‌های انتخاب شده بپردازد. از نظر دیویی روش تدریس معلم، همان روش تحقیق است. دیدگاه عمل‌گرایی در آموزش، معلم را به سویی هدایت می‌کند که در آن دانش‌آموز از حالت انزوا بیرون بیاید و با کمک معلم از یک عنصر منفعل به یک عنصر فعال در کلاس تبدیل شود. معلم پراگماتیستی «پیوسته به محصلانش کمک می‌کند که این حقیقت را دریابند و بپذیرند که همواره قابل تغییرند و برای واری واری حقیقت و حل مسائل، روش علمی به کار ببرد. [معلم] مسائلی را برای محصلان مطرح می‌کند که حل کردن آن‌ها مستلزم تلاش شخصی است و یادگیری محصلانش را آنچنان هدایت می‌کند که به رشد و تکامل شخصی و اجتماعی ایشان بینجامد...» (شعاری‌نژاد، ۱۳۸۱: ۴۵۳). در نهایت دانش‌آموز باید در برابر مسائلی قرار بگیرد تا خود با استفاده از توانایی‌هایش به حل آن‌ها نائل شود و ایجاد چالش برای دانش‌آموز اهمیت بالایی دارد.

نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی‌های انجام یافته در این پژوهش علمی و با توجه به سبک آموزشی کتاب *انیس‌الناس* و مکتب پراگماتیسم نتایج زیر حاصل می‌شود:

۱. اگرچه از شرح حال و زادگاه شجاع و مکان و شرایط زندگی او اطلاعات کافی نداریم، شواهد موجود در کتاب این‌گونه رهنمون می‌شود که نگارنده آن، فردی با دانش روز و باتجربه بوده است و می‌توان او را بازتاب جامعه تیموری در علوم مختلف از جمله مبحث آموزشی دانست و نوشته‌های او را در باب آموزش، قانون آموزشی زمان او محسوب کرد.
۲. *انیس‌الناس* اگرچه به قرن‌ها پیش برمی‌گردد اما با توجه به نوشته‌های آن در مورد آموزش، در بعضی جهات بسیار کاربردی و پویاست و با مقایسه آن با مکتب عمل‌گرایی و نکات تاریک و روشنی که در این کتاب دیده می‌شود، قدرت و پویایی نوشته‌های شجاع در امر آموزشی کاملاً مشهود است.
۳. مواد درسی در دوران تیموری و به طور اخص دوران شجاع، کاملاً منطبق بر برتری جنسیتی نگاشته شده و در مواد درسی به دو جنس دختر و پسر تفاوت‌هایی قائل است. در رویکرد شخص شجاع به مبحث جنسیتی، این تفاوت شکل تبعیض به خود می‌گیرد.
۴. موارد شباهت در نظرات علمای پراگماتیسم خاصه جان دیویی در قیاس با شجاع، قابلیت پیگیری و تحقیق جامع‌تری دارد. در مورد قسمت‌هایی که اختلاف آراء وجود دارد، موارد و شواهد پررنگ‌تر و قابل استنادتر به نظر می‌رسید که در مقاله تا حد امکان بدان پرداخته شد.

منابع

- ابن‌سینا، حسین بن عبدالله. (۱۳۱۹). *ابن‌سینا و تدبیر منزل*. ترجمه و نگارش محمد نجمی زنجانی. تهران: انتشارات مجمع.
- ایزراییل، اسکفلر. (۱۳۶۶). *چهار پراگماتیسم*. ترجمه محسن حکیمی. تهران: نشر مرکز.
- بخشایی، سودابه و صیادکوه، اکبر. (۱۳۹۵). «بررسی و مقایسه قابوس‌نامه و انیس‌الناس». *مجله نشر پژوهی ادب فارسی*. ش ۳۹. بهار و تابستان. صص ۱۵-۳۶.
- جمال‌زاده، محمدعلی. (۱۳۸۰). *سر و ته یک کرباس*. به‌کوشش علی‌دهباشی. تهران: نشر سخن.
- دیویی، جان. (۱۳۳۳). *مدرسه و شاگرد*. ترجمه مشفق همدانی. تهران: نشر مرکز.
- _____ . (۱۳۳۹). *دموکراسی و آموزش و پرورش*. ترجمه ا.ج. آریان‌پور. تبریز: دانشسرای پسران تبریز.
- سبزیان‌پور، وحید. دبیریان، مرضیه. (۱۳۹۳). «تأثیر‌پذیری شجاع در فصل دوم کتاب انیس‌الناس از منابع فارسی و عربی». *متن‌پژوهی ادبی*. ش ۶۱. پاییز. صص ۱۳۶-۱۶۷.
- سعدی، مصلح بن عبدالله. (۱۳۵۹). *بوستان*. به تصحیح دکتر غلامحسین یوسفی. تهران: انجمن استادان زبان و ادبیات فارسی.
- شجاع. (۱۳۷۴). *انیس‌الناس*. به‌کوشش ایرج افشار. تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- شریعتمداری، علی. (۱۳۸۰). *اصول و فلسفه تعلیم و تربیت*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- شعاری‌نژاد، علی‌اکبر. (۱۳۸۱). *فلسفه آموزش و پرورش*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- علیزاده، موسی و رحمتیان، سجاد. (۱۳۹۵). «بازتاب و نقل اندرزه‌های پیشینیان از کتاب انیس‌الناس». *کنگره بین‌المللی زبان و ادبیات*. مشهد: دانشگاه تربت حیدریه.
- عنصرالمعالی، کیکاوس بن اسکندر. (۱۳۱۲). *قابوس‌نامه*. به‌کوشش سعید نفیسی. تهران: انتشارات مجلس.
- کانال، و.ف. (۱۳۶۸). *تاریخ آموزش و پرورش در قرن بیستم*. ترجمه حسن افشار. تهران: نشر مرکز.
- نصیری، مهدی. (۱۳۸۹). «نظام آموزشی مکتب‌خانه‌ای قاجار و پهلوی اول». *کتاب حوزه*. س ۲۵. ش ۱۵۰. ص ۱۹۵.